

### امپراتوری سلجوقی؛ توسعه سیاست مذهبی، اقتصاد و معماری

دودمان سلجوقیان، از تُرکان غُز و سنی مذهب بودند توانستند در سده های پنجم تا ششم هجری قمری، یک امپراطوری بزرگ تشکیل دهند و بر بخش های پهناوری از آسیای صغیر و میانه یعنی کشورهای ایران، افغانستان، شام که شامل سوریه و عراق بود و ارمنستان فعلی حکمرانی کنند.

وسعت مناطق تحت حکومت امپراطوری سلجوقیان از شرق تا کوه های هندوکش، از غرب از فلات آناتولی تا شام، از شما تا آسیای مرکزی و از جنوب تا تا خلیج فارس بود. امپراتوری سلجوقیان، که حکومتی ترک تبار اما دارای فرهنگی ایرانی - ترکی بود توسط ایل قنیق تُرکان آغوز پایه گذاری شد.

سرزمین مادری این دودمان در حاشیه ی دریای آرال بود. این دودمان، حمله ی خود را از سرزمین مادری خود شروع کردند و به خراسان رسیدند و با حمله به این شهر و تصرف آن، به بخش مرکزی ایران حمله کردند. بعد از آن توانستند در نبرد ملازگرد، بر امپراتوری بیزانس پیروز شوند و آناتولی را تصرف کنند. طغرل بیک، موسس سلسله ی سلجوقیان بود. طغرل موفق شد از نظر سیاسی بر خلافت عباسی در بغداد، فائق آید و رهبری جهان اسلام را در دست بگیرد.

### آغاز حکومت سلجوقیان

بنیان گذار حکومت سلجوقیان، طغرل بیک بود که خود را از نوادگان سلجوق می دانست. در واقع حکومت سلجوقی یکی از حکومت های بعد از اسلام در ایران است که طغرل بیک و برادرش چغری بیک، آغاز کننده این حکومت بودند. سلجوق، جد این امپراطوری بود که خود سلجوق، پسر دقاق می شد.

دقاق از بزرگ ترین فرماندهان نظامی ایالتی به نام آغوز بیغو بود. او در تیراندازی مهارت بالایی داشت به همین دلیل به او لقب تیمور یالیق یا همان کمان آهنین داده بودند. وی ابتدا موفق شد سلطان محمود غزنوی را شکست دهد و در نیشابور به تخت سلطنت بنشیند.

طغرل که بنیانگذار این امپراتوری بود توسط سلجوق بیگ به قدرت رسید. سلجوق بیک، یکی از سران و قدرتمندان ترکان اوغوز بود. از مهم ترین دست آوردهای این امپراتوری، اتحاد دوباره ی مسلمانان بود و همچنین در جنگ های صلیبی اول و دوم، نقش کلیدی داشتند.

سلجوقیان بعد از تصرف ایران، شیفته ی زبان و فرهنگ ایرانیان شدند. به همین دلیل تلاش های زیادی برای پیوند دادن فرهنگ های ایرانی و ترکی نمودند. این تلاش ها به قدری بود که موفق شدند بسیاری از فرهنگ های ایرانی را به فلات آناتولی بکشانند. در واقع به خاطر حمایت سلجوقیان از زبان و فرهنگ ایرانی بود که استقلال فرهنگی زبان فارسی از زبان عربی، شکل گرفت. آن ها زبان فارسی را به عنوان زبان رسمی و درباری خود انتخاب کردند.

همچنین وزیرانی همچون عمیدالملک کندری و خواجه نظام‌الملک طوسی خدمات ارزنده ای در خصوص عمران و آبادانی شهرها، گسترش زبان فارسی و فنون و دانش ها انجام دادند.

به دلیل اینکه سلجوقیان، هیچ نوع سنت اسلامی و یا حتی میراث فرهنگی و ادبی قوی از خود نداشتند از زبان فرهنگی مدرسان فارسی خود بهره گرفتند و در اسلام از آن ها استفاده کردند.

این کار سبب شد که زبان و ادبیات فارسی در کل ایران رواج یابد و زبان عربی فقط در آثار معارف دینی وجود داشته باشد و در سایر زمینه ها، محو شود.

زمانی که ترک تباران برای مناطق استراتژیک شمال و شمال غربی این امپراطوری، مهاجرت کردند تا در برابر حملات احتمالی

دشمنان خارجی از مرزها محافظت کنند سبب شد که این مناطق امپراطوری، ترک سازی شود

## دودمان سلجوقی

همان طور که اشاره نمودیم دودمان سلجوقی از طوایف ترکمن ها بودند که پس از پیروی بر سلطان محمود غزنوی این حکومت را بنا نهادند. این دودمان در قرن دهم میلادی به مذهب سنی گرویدند. ترک های سلجوقی توانستند بعد از ۴۰۰ سال از فروپاشی ساسانیان، دوباره مرزهای ایران را گسترش دهند. این گسترش مناطق، دقیقاً تا سرحد مرز مناطقی بود که ساسانیان به مدت نیم قرن آن ها را تحت سلطه ی خود داشتند.

علاوه بر این، این امپراتوری از خلفای عباسی هم حمایت می کرد به گونه ای که موفق شد از نظر سیاسی بر آن ها مسلط شود. البته این خلفا دیگر سلطه و حاکمیت پیشین در ایران را نداشتند و فقط حاکمان مذهبی اهل سنت بودند.

به طور کلی دوره ی حاکمیت دودمان سلجوقی در ایران به دو دوره تقسیم می شود. دوره ی اول که دوره ی اقتدار ۳ پادشاهان نخستین این سلسله یعنی طغرل، آلب ارسلان و ملکشاه می باشد و دوره دوم، دوره ی ضعف و انحطاط سلسله ی سلجوقی است که پس از مرگ ملکشاه، آغاز می شود. پایگاه اصلی سلاجقه ی بزرگ، خراسان بود که تا سال ۵۵۲ هجری قمری، سلطنت در این پایگاه، ادامه داشت.

اما بعدها به دلیل اینکه میان شاهزادگان اختلافاتی بر سر جانشینی رخ داد این اقتدار و قدرت مرکزی نابود شد و این سلطنت به چند قسمت تقسیم شد که از جمله ی آن ها می توان به سلجوقیان سوریه، سلجوقیان عراق، سلجوقیان کرمان و سلجوقیان آسیای کوچک اشاره کرد. سلجوقیانی که در عراق و کرمان بودند تا اواسط سده ی ششم، سلجوقیان سوریه تا اوایل قرن ششم و سلجوقیان آسیای کوچک تا اواخر قرن هفتم در مناطق خود حکمرانی می کردند.

اوج اقتدار این امپراتوری در دوره ی ملکشاه بود. در این دوره، محدوده ی سلطنت سلجوقیان از شرق تا ماوراءالنهر و از غرب تا دریای مدیترانه، ادامه داشت. آخرین پادشاه این سلسله، طغرل سوم نام داشت که پادشاه سلجوقیان عراق عجم بود.

## سیستم اداری سلجوقیان چگونه بود؟

این سلسله، در زمینه ی نظامی به عناصر ترکمن و ترک وابسته بود. علاوه بر این، در سیستم های مدیریتی و سیاسی خود نیز به مانند امپراتوری غزنویان از آیین و سنت های ساسانیان پیروی می کردند. زبان درباری و حکومتی آن ها هم زبان فارسی بود. از آنجایی که سنتی در حکومت و دین خود نداشتند فرهنگ ایرانی و سنت ساسانیان را در کل قلمرو خود منتشر کردند از دیگر ویژگی های این سلسله می توان به علاقه های آن ها به تمرکز زدائی، دائم در جنگ بودن و زندگی در بیابان ها اشاره کرد. این ویژگی آن ها بیشتر یادآور سلسله ی اشکانیان است. سلجوقیان با زندگی های شهری و تمدن شهری بسیار غریبه و ناآشنا بودند.

حتی حکمرانان این سلسله، وزارتخانه ها را مانع پیشرفت اعمال قدرت و استبداد خود می دانستند. اغلب وزیران وزارتخانه ها ایرانی بودند. حکمرانان، این وزرا را می کشتند یا به کشتن می دادند و یا به دشمنان، تحویل می دادند و اموال آن ها را مصادره می کردند. در واقع این قوم، خوی صحرانشینی داشتند و به هیچ وجه، روحیه ی نظم و انضباط نداشتند و تمایل به غارت و استبداد داشتند. بخش های غیر متمرکز این امپراتوری توسط پادشاه آن ها که به آن، سلطان می گفتند نظارت می شد. آن ها این نظارت را به کمک سیستمی به نام دیوان انجام می دادند. دیوان یک سیستم مدیریتی بود که از دوران ساسانیان بر جای مانده بود. این امپراتوری بخشی از درآمدی را که از راهزنی و غارت به دست می آوردند برای ساخت و ایمن سازی جاده ها و ساخت پل ها و رباط ها هزینه می کرد.

## چالش های حکومت سلجوقی

یکی از بزرگترین تهدیدهای این سلسله، اسماعیلیان بودند. اسماعیلیان برای اینکه ضربه های مهلکی به بدنه ی این امپراتوری وارد کنند در مناطق دور افتاده و بالای کوه ها، قلعه هایی ساختند و در آن جا سکونت کردند. از جمله مهم ترین اقدامات اسماعیلیان، فرستادن افرادی برای ترور سران سلجوقیان بود. اسماعیلیان، مسلمانان شیعه ی

۷ امامی بودند که در بخش های مختلف ایران با نام های قرمطی، باطنی و سبعی شناخته می شدند. نحوه ی عملکرد آن ها به گونه ای بود که همیشه جدید ترین و هولناک ترین تهدید داخلی برای سران سلجوقی به شمار می رفتند. البته سلسله ی سلجوقی در مرزهای خارجی هم دشمنانی داشتند. سلسله ی فاطمیان بزرگ ترین تهدید این حکومت، در خارج از مرزها بود. این سلسله حکمرانی مصر را داشتند. فاطمیان نیز از شیعیان ۷ امامی بودند که خلافت مسلمانان در شمال آفریقا را بر عهده داشتند. بنیانگذار این سلسله، عبیدالله المهدی بود که پیروان این مذهب، او را مهدی موعود و منجی مسلمانان شیعه، می دانستند.

### لشگرکشی های سلجوقی ها

همان طور که ذکر نمودیم تمایل به جنگ و غارت در خون و ذات این قوم بود به همین دلیل، تاریخ حکمرانی این سلسله مملو از جنگ های بی رحمانه ی نظامی با سایر ملت ها و ویرانی بود. بنیانگذار این سلسله یعنی طغرل بیک، ابتدا با لشگرکشی هایش، خراسان، گرگان، طبرستان و آذربایجان را تصرف کرد و سپس به خارج از مرزها رفت و بغداد را تسخیر کرد. سپس با دختر خلیفه ی بغداد ازدواج کرد تا با این پیوند، موقعیت حکومت خود را مستحکم تر کند.

### حکومت سلجوقیان با آلب ارسلان

پس از مرگ طغرل بیک، حاکمیت این سلسله به پسر چغری بیک یا همان برادر زاده ی طغرل بیک یعنی آلب ارسلان رسید. آلب ارسلان نیز مردی جنگجو بود و اکثر عمر او با جنگ علیه عیسویان، سپری شد. وی در همان ابتدای پادشاهی خود به قصد گسترش اسلام، جنبشی را به نام جهاد و جنگ علیه کشورهای ارمنستان و گرجستان به راه انداخت و موفق شد بر این سرزمین ها غالب شود.

بعد از اتمام این جنگ، بر علیه بیزانس جنگید چرا که با حمله ی امپراطوری روم یعنی ارمانیوس دیوجانوس مواجه شد. آلب ارسلان موفق شد در نبرد ملازگرد نیز، رومیان را شکست دهد و حتی امپراطور آن ها را دستگیر کند. بسیاری از مورخان این جنگ را شروع اشغال های بیت المقدس و جنگ های صلیبی می دانند. وی زمانی که در حال لشگرکشی به سوی سمرقند بود به دست اسپر خود به نام یوسف الخوارزمی، به سختی زخمی شد و چهار روز بعد از آن، درگذشت.

### ملکشاه سومین پادشاه سلجوقی ها

ملکشاه، پسر آلب ارسلان بود که پس از مرگ پسرش، با کمک خواجه نظام الملک، وزیر ایرانی اش، موفق شد سلطنت را به دست بگیرد. او ابتدا عموی خود را کشت و کرمان را تحت کنترل خود درآورد.

خواجه نظام الملک، مرد دانایی بود و ملکشاه با استفاده از دانایی و فراست او، موفق شد بر رقیبان خود خصوصاً شاهزاده های سلجوقی پیروز شود، شهرهایی در خارج از مرزها همچون، دمشق، انطاکیه، حلب و سمرقند را تسخیر کند و سرزمین های تحت سلطه ی سلجوقیان را گسترش دهد. او حتی شهرهایی همچون اورشلیم، فاطمیون مصر و روم شرقی را بازپس گرفت. از دیگر کشورهای تحت تصرف او می توان به عراق عرب، ارمنستان، گرجستان، شام و آسیای صغیر اشاره کرد. مهم ترین میراثی که از ملکشاه به یادگار ماند تقویم جلالی است که توسط جمعی از ریاضی دانان آن دوره و به سرپرستی عمر خیام، تنظیم و انجام گرفت. وی عاشق هنر، علم و ادبیات بود به همین دلیل، از دوران سلطنت او، مساجد باشکوهی در اصفهان که پایتخت او بود به یادگار مانده است. در دوره ی سلطنت وی، صلح داخلی و مذهبی حاکم بود. ملکشاه، اغلب اوقات مشغول شکار و خوش گذرانی بود و اکثر کارها و

امور پادشاهی را به وزیرش واگذار کرده بود. پس از اینکه وزیر خود، خواجه نظام الملک را برکنار کرد و تاج الملک قمی را به جای او انتخاب کرد حکومتش رو به زوال رفت.

خواجه نظام الملک، در سال ۴۸۵ هجری در نهاوند، کشته شد. برخی می گویند او به دست ابوطاهر اوانی که یک اسماعیلی بود کشته شد و برخی از روایات هم می گویند او به دست یکی از غلامان خود که توسط کنیز ترکان خاتون (همسر زیبای ملکشاه) تحریک شده بود کشته شد. عاقبت، ملکشاه نیز ۳۵ روز بعد از مرگ خواجه نظام الملک، زمانی که در بغداد، مهمان خلیفه ی عباسی بود زردی می گیرد و می میرد.

### زوال و فروپاشی سلسله ی سلجوقیان

ملکشاه، دو پسر داشت که پس از مرگ پدر، بر سر جانشینی او اختلاف پیدا می کنند. این اختلاف، شروع زوال این سلسله بود و سبب شد که حکومت سلجوقی به ۲ قسمت تقسیم شود. اما هیچکدام از آن ها در طول سلطنت خود نتوانستند کار شایسته ای انجام دهند. یکی از پسرهایش که محمد شاه بود بعد از اینکه با اسماعیلیون جنگید به جنگ صلیبیون رفت که در این جنگ نیز موفقیتی به دست نیاورد.

پس از مرگ محمدشاه، پسرش، سنجر، به پادشاهی رسید. سنجر، آخرین پادشاه مقتدری بود که سلسله ی سلجوقی به خود دید. وی در خراسان، استقلال خود را اعلام کرد و فرمانروایی بغداد را به برادرزاده اش داد.

او در مقابل پادشاه غزنی جنگید و موفق شد چندین بار آن ها را شکست دهد. به همین دلیل، در اواخر عمر خود با قیام کینه جوینان ای از غزنیان، مواجه شد و در این نبردها خراسان را از دست داد. پس از سنجر، جانشینان او بر تخت نشستند که مدت حکمرانی همه ی آن ها کوتاه بود. افزایش یافتن قدرت خوارزمشاهیان در خراسان، سبب شد که این سلسله رو به زوال و فروپاشی برود و با به وجود آمدن وقایع دیگری، حکومت سلجوقیان در ایران به پایان برسد.



گرد آوری: بخش فرهنگ و هنر و سایت بیتوته